# سلامت محیط زیست از منظر ابو زید بلخی

**فاطمه ملایم**

استادیار دانشگاه امام صادق (ع) – پردیس خواهران

## چکیده

ابوزید بلخی اندیشمند شیعه ایرانی قرون سوم و چهارم هجری، صاحب آراء بکر در حوزه حفظ سلامت محیط زیست، پیشگیری و سلامت جسم و روان، در کتاب نفیس« مصالح الأبدان والأنفس» است. هدف از تدوین این مقاله، تبیین استانداردهای عناصر سه‌گانه محیط زیست سالم از منظر ابوزید بلخی و ارائه مباحث پیشگیرانه و معرفی راه کارهای او در حوزه محیط زیست است.

روش این پژوهش توصیفی- تحلیلی با استفاده از شیوه اُسنادی بوده و جامعه این پژوهش علاوه بر منبع اصلی(کتاب مصالح‌الابدان و الانفس) منابع مرتبط با موضوع این پژوهش است. یافته‌های پژوهش، حاکی از انطباق دیدگاه این دانشمند در حوزه محیط زیست با مسائل زیست محیطی معاصر است، به‌گونه‌ای که می توان راه‌کارهای مناسبی از آنها برای حل مشکلات زیست محیطی جامعه استخراج نمود. نتایج پژوهش بیانگر آن است که دیدگاه ابوزید بلخی مدافع تقدم پیشگیری بر درمان در حوزه محیط زیست می باشد، وی بر ضرورت توجه به بهره‌برداری صحیح از تفاوت های اقلیمی و جغرافیایی به هنگام انتخاب و ساخت مسکن، تاکید می کند. توصیه وی در زمینه انتخاب محل سکونت و شهرسازی، نقاط مرتفع و در معرض بادهای مرغوب بوده و پیشنهاد می‌کند، زمانی که سرما و گرما به اوج شدت خود می رسد مردم در مناطق مرتفع که دارای آب و هوای پاک‌تر هستند، سکونت گزینند، تا از عفونت هوا و مضرات بخارها و دودها و ریزگردهای متصاعد از زمین در امان باشند. شیوه‌های مقابله با آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی یکی از موضوعاتی است که بلخی تحت عنوان اسرار فوائد حفظ محیط زیست از آن یاد می کند.

**کلیدواژه‌ها:** ابوزید بلخی، محیط زیست، پیشگیری، تفاوتهای اقلیمی، عفونت هوا، راهکار.

تاریخ دریافت: خرداد ۹۵
تاریخ پذیرش: خرداد ۹۶

## مقدمه:

انسان از دیرباز به اقتضای نیازمندیهای اقتصادی و اجتماعی خود تغییراتی در محیط زیست ایجاد کرده، در نتیجه با مشکلات زیست محیطی متعددی روبرو شده، و امنیت او همواره از طریق به هم خوردن موازنه عناصر محیط زیست مورد تهدید قرار گرفته است. امروزه این مشکلات آنچنان شدت گرفته که می‌توان گفت انسان از این جهت در جهان معاصر لحظات بحرانی حیات خود را سپری می‌کند. بدون تردید یافتن راه حل برای این معضلات پیچیده زیست محیطی جز با آگاهی یافتن از رموز و مبانی مسائل زیست محیطی امکان پذیر نمی‌باشد. یکی از روش‌های کسب آگاهی برای حل مشکلات حاضر و گذر از آنها، متصل شدن به گذشته و استفاده از تجارب گذشتگان است، تا بتوان با روش تاریخی و ایجاد پل ارتباط بین گذشته و حال نوع مشکل را مورد بررسی قرار داد، و اطلاعات جدید، کامل و دقیقی کسب نمود. بر این اساس به منظور بررسی دیدگاه‌های تاریخی زیست محیطی، و استفاده از راه کارهای ارائه شده، دیدگاه ابوزید بلخی، به عنوان یکی از اندیشمندان مسلمان ایرانی در قرن سوم و چهارم هجری، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قبل از بلخی بقراط در کتاب خود به مقوله محیط زیست می پردازد، اما وی آب و هوا و موقعیت جغرافیایی شهرها را در ارتباط با بیماری‌هایی که ممکن است افراد به دلیل تفاوت های آب و هوایی و محل سکونت به آن مبتلا شوند، مورد بررسی قرار می دهد، و معتقد است طبیب باید برای درمان بیماریهای ساکنان شهرها، موقعیت جغرافیایی آنها را از نظر جهت وزش باد، موقعیت آنها نسبت به طلوع خورشید، و

* فرد مسئول مکاتبات: molayem@isuw.ac.ir



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

کیفیت آب مورد بررسی قرار دهد. به علاوه او به تاثیر بادها در ایجاد تغییرات در بدن انسان، و نیز ارتباط نیروی آبها و تفاوت طعم و وزن آنها با بیماری ها اشاره می‌کند.

ابن سینا در قرن پنجم به برخی علل و عوامل آلودگی هوا اشاره می کند، و سرزمینهایی را از آلودگی هوا بدور می داند که در آن باد زیاد بوزد و کوه مانع نباشد، و اگر مانعی در برابر وزش باد وجود داشته باشد، هوا برای تعفن آمادگی می‌یابد. وی از آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی تحت عنوان تعفن هوا سخن گفته، و به عواقب وخیم آن اشاره می کند. زیرا هوای نزدیک به ما با غبار، دود، و بخار درآمیخته، واین بخارها هوا را آلوده و بدن را سست و به سنگینی و بی رمقی دچار می‌کنند، و آسیب های آن از جسم فراتر رفته و بر قدرت حافظه و درک انسان نیز تاثیر می‌گذارد، و موجب ضعف و کودنی می‌شود.

محمود مصری ضمن مقدمه ای که بر کتاب مصالح الأبدان و الأنفس نگاشته است به اهمیت دیدگاه بلخی در مورد هوا و آب و آلودگی و مصرف روز افزون آن و خطرات ناشی از انتقال بیماری های واگیر دار از طریق آب و هوا اشاره می کند، سپس از تاثیر محیط زیست بر سلامت جسم و روان از منظر وی سخن می گوید.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

آیا دیگاه ابوزید بلخی در حوزه محیط زیست، با مسائل زیست محیطی جامعه امروزی انطباق دارد؟

در دیدگاه ابوزید بلخی، تمرکز بیشتر بر پیشگیری است یا درمان؟

ابوزید بلخی، چه راهکارهایی برای کنترل و مقابله با مسائل زیست محیطی ارائه نموده‌است؟

## مواد و روش‌ها:

روش این پژوهش توصیفی – تحلیلی به شیوه اسنادی بوده و جامعه این پژوهش، مهمترین مستند ( کتاب نفیس مصالح الابدان و الانفس نوشته ابوزید بلخی) بوده و هم‌چنین سایر اسناد و منابع معتبر مرتبط با موضوع پژوهش نیزمورد بررسی قرار گرفته است.

۱ مبحث اول: معرفی ابوزید بلخی

احمد بن سهل أبوزید بلخی، متکلم، فیلسوف، روانشناس و متخصص علوم محیط زیست ملقب به جاخظ خراسان صاحب تالیفاتی مشهور است (۱-۲). زادگاه او اقلیم شرق و ماوراء النهر از آبادترین سرزمینهای اسلامی است (۳). وی پرورش یافته تمدن و فرهنگ در حال پیشرفت ایران بود، و آثار علمی فراوانی از خود به جای گذاشت. وی در سال ۲۳۵ هجری مصادف با ۸٤۹ میلادی در بلخ در روستایی به نام شامستیان دیده به جهان گشود (۱). طبیعت و محیط روستا از او شخصیتی با وقار و با ثبات و آرام ساخت. او مدتی مسؤلیت آموزش کودکان را در این روستا به عهده گرفت، سپس برای کسب علم و معاشرت با علماء به عراق سفر کرد تا در مورد مذهب امامیه تحقیق کند. در محضر ابی یوسف یعقوب اسحاق کندی شاگردی کرد، و کندی او را مجذوب علوم محض نمود (٤). برخلاف ادعای دکتر محمود مصری محقق کتاب مصالح الابدان، مبنی بر گرایش او به مذهب اهل تسنن، وی شیعی مذهب بوده است (محمد مهدی اصفهانی، دیباجه کتاب مصالح الأبدان و الأنفس). چنانچه یاقوت حموی ابیاتی از بلخی در رثای حسن بن حسین علوی آورده که دلیل واضحی بر گرایش او به مذهب تشیع می‌باشد (۱). او به مدت هشت سال در عراق به کسب علوم دینی و منطق و فلسفه پرداخت. پس از آن به بلخ بازگشت و در آنجا به نشر علم مشغول شد. در علم طب و شناخت مزاجها مهارت داشت (۱). در سال ۳۲۲ هجری مصادف با ۹۳٤ میلادی در سن ۸۷ یا ۸۸ سالگی در زادگاهش شامستیان درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

دوران حیات بلخی مصادف بود با پایان شکوه دولت عباسی و اوج عظمت وعزت سامانیان، خاندان علم و ادب در خراسان. فراهم شدن این بستر مناسب برای پیشرفت علوم و فرهنگ و تمدن به همراه تسامح و فضای آزادی که اسلام برای فعالیت در تمامی شاخه‌های علوم فراهم کرد، و همچنین رخت بربستن تعصبات نژادپرستانه موجب شد تا اندیشمندانی همچون ابوزید آثار ارزشمندی به تمدن بشری عرضه کنند (۵). در همین دوران بود که به دلیل حاکم بودن افکار فلسفی و



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

عقل‌گرایی بر شیوه‌های پژوهش، مکتب‌های علمی، فکری، اجتماعی، و دینی متعددی شکل گرفت و شیوهای جدیدی در حوزه پژوهش علومی همچون طب، نجوم، ریاضیات، هندسه، و کشاورزی رواج یافت، تا جایی که این علوم به سمت تخصصی شدن سوق یافت (۵).

از جمله استادان أبو زید بلخی، محمد بن أسلم و أبو یوسف یعقوب بن أسحاق کندی بودند، که بلخی علوم فراوانی مخصوصاً در فلسفه از آنها کسب نمود (۱). به همین دلیل وی به روش فلاسفه به نقد وبررسی می‌پرداخت (٦-۷). بسیاری از اندیشمندان معاصر وی او را دائره المعارفی می دانند که در فلسفه، ریاضیات، تاریخ، جغرافیا، و ادبیات دست به نگارش زد. البته آثار پزشکی او نیز چیزی از دیگر آثار او کم ندارد (۸).

از شاگردان او می توان به أبو محمد حسن بن وزیری صاحب کتاب اخبار أبو زید بلخی، و محمد بن زکریای رازی اشاره کرد. ابن ندیم، ابو زید بلخی را استاد رازی در فلسفه می داند (۹). رازی، که معاصر بلخی بوده، رساله‌ای در باره علت زکام مزمن بلخی در فصل بهار و زمان گل‌آوری گل سرخ و نیز تأثیر دانه‌های گرده بر دستگاه تنفسی نوشته که دلیلی بر ارتباط و پیوستگی بین آنها بوده است (۱۰).

## ۳-۲ مبحث دوم: معرفی مصالح الأبدان والأنفس

از بلخی حدود پنجاه کتاب و رساله به جای مانده است. یکی از آثار مهم او «کتاب مصالح الأبدان والأنفس» است. این کتاب قرنها از زمان خود سبقت گرفته و نقطه عطف روشنی برای مؤلف و مایه مباهات تمدن و فرهنگ اسلامی است. ارزش هر کتابی اغلب بعد از مطالعه آن مشخص می شود، اما این کتاب با عنوان چشم گیرش قبل از مطالعه، اعجاب هر خواننده ای را بر می انگیزاند. از ویژگی های بارز این کتاب حاکم بودن نگاه استدلالی و تکیه بر قیاس و استدلال است، که حاکی از تبحر مؤلف در علوم متعدد مخصوصاً فلسفه می‌باشد.

این کتاب در دو مقاله تألیف شده است. عنوان مقاله اول «مصالح الابدان» است که به مقوله حفظ سلامت جسم می‌پردازد (۱۱). اهمیت این کتاب در این است که از اولین آثاری است که جسم و روان را به عنوان یک مجموعه واحد در نظر می‌گیرد و ضرورت توجه به پیشگیری و حفظ سلامت جسم و روان را مورد تاکید قرار می‌دهد، و می‌گوید «سخن گفتن از حفظ سلامت چیزی است که اطبا در آثارشان به آن نپرداخته‌اند، زیرا این موضوع از جنس حرفه آنها نیست، چنانچه مداوای بیماری‌های روان از جنس بیماری‌هایی که با فصد و دارو مداوا می‌شوند، نیست» (۱۲).

بلخی در مقدمه با اختصار و با سبک آموزشی خود که در کتاب دنبال می‌کند به اصول کلی علم حفظ سلامت استناد می‌کند، و تدابیری برای بکارگیری آن معرفی می‌کند. سپس در فصل سوم از مقاله اول ضمن تعیین استانداردهایی که عناصر سه‌گانه محیط زیست باید برخوردار باشند، راه‌حلهایی را برای فراهم کردن محیط زیست سالم ارایه می‌دهد (۱۳). پس از آن به مواد غذایی و آشامیدنی سالم و عوامل ایجاد شادابی روان و موسیقی و تاثیر آن می‌پردازد. در مقاله دوم کتاب با عنوان «مصالح الانفس» او به تدبیر مصالح نفس می‌پردازد و سلامت روان را از جنبه‌های مختلف در هشت باب مورد بررسی قرار می‌دهد.

## ۳-۳ مبحث سوم: اهمیت پیشگیری در حفظ محیط زیست

بلخی در فصل سوم از مقاله دوم بحث محیط زیست را با نیاز انسان به تدبیر در مسکن و آب و هوا آغاز می‌کند، و با ذکر مقدمه‌ای به نیاز مبرم انسانها به این سه عامل و اهمیت توجه به آنها می‌پردازد. سپس راهکارهایی برای حل مشکلاتی که از ناحیه این عوامل ممکن است پیش آید ارائه می‌دهد. او این نیاز را با کلیات مباحث نظری طب مرتبط می‌داند و می‌گوید: «اولین موضوعی که انسان باید تدابیر لازم را در آن برای تداوم حیات و رشد و نمو و امرار معاش خود اتخاذ کند، آب و هوا و مسکن یا محیط زیست می‌باشد» (۱۳). به همین دلیل وی این موضوع را که از چشمگیرترین موضوعات مقاله اول می‌باشد مقدم بر بحثهای دیگر می‌آورد، که شامل موضوعات زیر می شود: (الف) نیاز به تدبیر محل سکونت و آب و هوا، (ب) ارتباط متقابل بین مزاج عوامل سه گانه محیط



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

زیست، (ج) تاثیر محیط زیست بر تفاوت‌های جسمانی و روانی انسانها، (د) عوامل مؤثر در اختلاف محل سکونت و آب و هوا، (ه) ویژگی‌های محل سکونت سالم، (و) دلایل مهاجرتها، (ز) راهکار اصلاح محیط زیست، (ح) فواید نقل و انتقال بین خانه‌های ییلاقی و قشلاقی، (ط) توجه به تاثیر بادها (۱٤).

بلخی در مورد تاثیر عناصر سه‌گانه تشکیل دهنده اجزاء محیط زیست بر جسم و روان انسان می گوید: «مزاج این عناصر تحت تاثیر یکدیگر قرار دارند، و مزاج انسانها نیز تحت تأثیر مزاج این عناصر می‌باشد». یعنی «مزاج آبی که انسان می‌نوشد تحت تأثیر طبیعت خاکی است که بر آن جاری می‌شود، و مزاج هوایی که تنفس می‌کند تحت تأثیر بخارهای متصاعد از آب رودخانه‌ها و دریاها و اقیانوس‌های روی زمین است. و اینها مزاج خود را به هوایی که در معرض آنها قرار می‌گیرند منتقل می‌کنند. به همین دلیل طبیعت هوا و بادها ترکیبی است از طبیعت آب و خاکی که در معرض آن قرار می‌گیرند و طبیعت انسان‌ها نیز متأثر از خاک و آب و هوایی است که آنها را احاطه کرده است» (۱۳).

بلخی با ذکر این مقدمه در صدد است دو نتیجه مهم استخراج کند: اول آنکه دستیابی انسان به سلامت جسم و روان بدون سلامت محیط زیست امکان پذیر نیست. دوم، تفاوت محیط زیست منشأ تفاوت‌های جسمانی و اخلاقی انسانها می‌باشد. یعنی تفاوتی که در شکل و ظاهر و قد و رنگ پوست و زبان و خلق و خوی ساکنان مناطق مسکونی زمین مشاهده می‌شود، ناشی از تفاوت عناصر خاک و آب و هواست و اگراین تفاوت نبود، تمامی انسان‌ها می‌بایست از نظر جسم و خلق و خوی نفسانی شبیه به هم باشند.

اهمیت دقت نظر این اندیشمند در مطرح کردن ارتباط تنگاتنگ سلامت روح و جسم انسان با سلامت محیط زیست از این جهت است که وی درصدد نتیجه‌گیری مهم وجدید دیگری می‌باشد، و آن ضرورت محافظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن برای دستیابی به سلامت جسم و روان می‌باشد (۱۱).

به نظر او همه چیز در این عالم از اشیاء طبیعی گرفته تا اشیاء مصنوعی ساخته دست بشر در معرض دگرگونی و نابودی هستند. لذا نیازمند مراقبت هستند تا دچار زوال نشوند، واز طول عمر مفید برخوردار شوند. این نیاز شبیه به نیاز مبرم ساختمانهای عظیم به مرمت و نگهداری است، تا جایی که اگر به این موضوع بی‌توجهی شود به سرعت رو به زوال می‌گذراند. و انسان اشرف مخلوقات که تمامی کائنات و نظام هستی برای او به تسخیر گرفته شده بیشتر از دیگر موجودات و اشیاء مستحق این مراقبت است (۱۱). البته این نگهداری و پیشگیری در صورتی امکان پذیر است که هر فردی نسبت به جسم و روان و طبیعت محل سکونت، مایحتاج زندگی خود، چگونگی پیشگیری از بیماری‌ها، و تلاش در جهت درمان آنها اطلاع کافی داشته باشد. همچنین باید از تدبیر و درایت کافی نیز برخوردار بود تا با بکارگیری آنها موجبات سلامت نفس و جسم و نهایتا دستیابی به سعادت دنیوی و أخروی فراهم شود. بلخی می گوید انسان به دلیل عدم آگاهی نسبت به حقیقت امور خود را از فواید دقیق و فراوانی که می‌تواند از ناحیه محافظت از اشیاء و عناصر موجود در عالم بدست آورد محروم می‌گرداند. چون آثار زیانباری که در نتیجه بی‌توجهی به موضوع حفظ سلامت محیط زیست به بار می‌آید در کوتاه مدت ملموس و آشکار به نظر نمی‌رسد، بلکه به تدریج با هم جمع و تبدیل به فاجعه می‌شود (۱۱).

بر این اساس سلامت و بهداشت جسم و روان را با سلامت محیط زیست، یعنی آب و هوا و محل سکونت مرتبط می‌داند. چنانچه منشأ بسیاری از مشکلات جسمی و روانی از نظر او بی‌توجهی به مقوله حفظ محیط زیست و پیشگیری است که منجر به فاجعه زیست محیطی می شود. ارتباطی که او بین زنجیره انسان و سلامت جسم و روان و محیط زیست و نهایتا توسعه بشری و سعادت دنیوی و اخروی برقرار می‌کند، حاکی از نگاه عمیق او به اهمیت محیط زیست است (۱۳). این موضوعی است که بشریت امروزه بعد از گذشت قرنها به اهمیت آنها پی برده، و به این نتیجه رسیده است که برای نجات از بیماری ها و خطرات ناشی از آلودگی های محیط زیست و آثار مخربی که پیشرفت‌های سریع علمی و تکنولوژی



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

و تحول تمدن مادی برای او به ارمغان آورده، و همچنین دستیابی به سلامت جسم، روان، فرهنگ، تمدن، و به تبع آن سعادت دنیوی و أخروی، راهی جز پیشگیری و حفظ موازنه عناصر محیط زیست ندارد. این در حالی است که مشکلات زیست محیطی دوران بلخی به هیچ وجه با مشکلات و معضلات پیچیده جوامع امروزی قابل مقایسه نمی‌باشد (۱۳).

بلخی این موضوع را در کتاب «مصالح الابدان و الأنفس» در چارچوب موضوعات ذیل مورد بررسی قرار می‌دهد: (الف) پیشگیری از بیماری ها (ب) بالا بردن سطح آگاهی بهداشتی (ج) حفظ سلامت محیط زیست و مبارزه با خطراتی که سلامت جسم و روان انسان را به خطر می‌اندازد. آنچه بلخی در این زمینه با زبان ساده و شیوای خود مطرح می‌کند، هر چند در نگاه اول ساده و عادی به نظر می‌رسند، اما در واقع همان مبانی و اصولی هستند که علوم محیط زیست نوین بر مبنای آنها شکل گرفته است. چرا که حفظ محیط زیست در تعریف علوم نوین چیزی جز حفظ تعادل و برقراری موازنه در فضایی که موجودات و انسان را احاطه کرده نیست.

البته قبل از او، بقراط در کتاب خود، «آب و هوا و محل سکونت»، به تفاوت زمان و مکان و تاثیر آن بر بیماری‌ها اشاره می‌کند، و لازم می‌داند که طبیب نسبت به این تفاوتها و ارتباط آنها با بیماری‌ها آگاهی داشته باشد. او به پزشکان توصیه می‌کند برای درمان بیماریهای ساکنان شهرها، موقعیت جغرافیایی شهرها را از نظر جهت وزش باد، و نیز نسبت آنها به طلوع خورشید، و همچنین کیفیت آب مورد بررسی قرار دهند. به علاوه او به تاثیر بادها در ایجاد تغییرات در بدن انسان، و نیز ارتباط نیروی آبها و تفاوت طعم و وزن آنها با بیماری ها اشاره می‌کند (۱۵).

اما بلخی نقل قولی از بقراط نداشته است، بلکه با روش خاص خود مباحثی را در مورد آب و هوا و محل سکونت مطرح می‌کند و به گونه‌ای آنها را با قوانین نظری به اثبات می‌رساند که کسی قبل از او به این کار نپرداخته است. البته نوع تحقیق هریک از این دو اندیشمند با عنوان کتابشان تناسب دارد. بقراط به طور عام از آب و هوا و سرزمین‌ها و گاه از ارتباط آنها با بیماریها سخن می‌گوید، اما بلخی آب و هوا و محل سکونت را در ارتباط با حفظ بهداشت مورد بررسی قرار می‌دهد (۱۶).

تفاوت دیگر شیوه پژوهش بلخی و بقراط در این است که بلخی اطلاعات خود در مورد آب و هوا و محل سکونت را طبقه‌بندی می‌کند، سپس استانداردهای لازم محل سکونت سالم را از آن استخراج می‌کند. اما بقراط به تعداد بیماری‌هایی که ممکن است افراد به دلیل تفاوت های آب و هوایی و محل سکونت به آن مبتلا شوند می‌پردازد (۱۶).

منشأ تفاوت محیط زیست از منظر بلخی از سه ناحیه است: (الف) خاک، (ب) موقعیت جغرافیایی، (ج) دوری یا نزدیکی نسبت به مدار خورشید (۱۳). وی تفاوت آبها را نیز از سه جهت می‌داند: (الف) نوع خاکی که آب از آن سرچشمه می‌گیرد، (ب) جاری بودن آب بر قسمت سطحی زمین یا سر بر آوردن از اعماق زمین، قناتها و چاهها، (ج) کندی یا تندی جریان آب مانند جریان آب رودخانه ها و نهرها. بلخی همچنین معضل آب را از جنبه‌های زیر هم مورد بررسی قرار می‌دهد: (الف) چگونگی جبران کمبود منابع آبی با توجه به محدودیت و مصرف روز افزون آن، (ب) نفوذ آلودگی و عوامل بیماری‌زا به آنها (ج) نفوذ مواد شیمیایی و آلوده کردن آنها و سپس انتقال این آلودگی به خاک. تمام این موارد همان معضلاتی هستند که جوامع امروزی بشدت دست به گریبان آن شده‌اند. وی بر این اساس نتیجه می‌گیرد که آب شرب مناطق مسکونی باید جاری، و از مناطقی پاکیزه با خاک مرغوب سرچشمه گیرد، با مواد آلوده درنیامیزد، به مدت طولانی در معرض تابش خورشید باشد، نور و حرارت کافی به آن برسد، و جریان آن سریع باشد. همچنین فاصله بین سرچشمه و نقطه استفاده از آب زیاد باشد تا با جریان یافتن در مسیری طولانی بر لطافت و سبکی و زلالی و گوارایی آن افزوده شود (۱۳).

هوا نیز از نظر بلخی از سه جهت متفاوت است: (الف) آب و خاکی که هوا در معرض آن قرار می‌گیرد، (ب) موقعیت هوا نسبت به موقعیت و مدار خورشید، (ج) هوا در اماکن مرتفع مانند مناطق کوهستانی و دامنه آن در جریان باشد یا در مناطق پست و گود و دره‌ها محبوس شده باشد. وی منشأ الودگی هوا را به عوامل زیر نسبت می‌دهد: (الف) آلودگی‌های موجود در



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

خاکی که در معرض هوا قرار می‌گیرد، (ب) آب شور دریاها و آب‌های آلوده و متعفن و گندیده (ج) دوری هوا از تابش نور خورشید و مدار آن، که این فاصله موجب غلبه سرما بر هوا می‌شود، و سرما خود غلظت عناصر ترکیبی هوا را افزایش می‌دهد، که برای تنفس مضر می باشد. (د) محبوس شدن هوا در گودی‌ها و دره‌ها و مناطق عمیق و پست، این هوا که سنگین و برای تنفس خطرناک است، ذرات آلوده را به خاک و گیاه و آبی منتقل می‌کند که مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد (۱۳).

بلخی هوای آلوده را ترکیبی از هوا، اجزای بخارگونه، و خاکی که به صورت دود و ریزگرد بالا رفته می‌داند. وی قبل از ابن سینا از پدیده آلودگی هوا ناشی از وارونگی یا تعفن هوا، و عواقب وخیم آن سخن گفته است، پدیده‌ای که بیشتر در اواخر تابستان و در فصل پاییز رخ می‌دهد (۱۷). زیرا «هوای نزدیک به ما محض و خالص نیست، و با غبار، دود، و بخار درآمیخته و از هر چیزی اثر می‌پذیرد. و بهترین هوا هوایی است که از بخار دریاها و دیگر آبها، بخار مرغزارها و بیشه زارها، گیاهان و از بوی آهک، گلخن و عفونتها دور باشد. در میان درختان بانبو نباشد، با ارتفاعات محصور نشده باشد، و در تابستان همراه با غبار و در زمستان نمناک نباشد» (۱۸).

منشاء آلودگی خاک از نظر بلخی عبارت است از نفوذ مواد آلوده به خاک، دوری آن از تابش خورشید، محبوس شدن آن در مناطق پست که کوهها آنها را احاطه کرده و هوا به راحتی در آنجا جریان ندارد، و بخار و دم حیوانات در آنجا محبوس سپس استنشاق و به بدن باز می گردد. «عواملی مانند بلندی و پستی، مجاورت با بلندی و پستی و کوهساران، وجود درختان، کانی‌ها و گورستان‌ها، مواد بدبو و نظایر آن، افزونی و کاستی آب، کیفیت خاک و اینکه آزاد و یا شور و یا سیاه باشد، و .... جملگی تاثیراتی بر محیط زیست و به تبع آن بر حالات بدن دارند (۱۷).

## بحث:

در فصل سوم کتاب، وقتی بلخی در مورد اهمیت سلامت محیط زیست و سلامت جامعه سخن می گوید، برای بهبود شرایط محیط زیست ناسالم اصطلاح تخصصی «احتیال» را که معادل با راهکار است بکار می‌برد. یکی از راهکارهای زیست محیطی او توصیه به سکونت در مکانی دور از هوای قسمت پایین و سطحی زمین، و در نقاط مرتفع و مشرف و در معرض باد می‌باشد، زیرا هوایی که از قسمت پایین زمین به انسان می‌رسد درآمیخته با بخارهای آلوده متصاعد از زمین می‌باشد، درحالی که هوای قسمت‌های بالایی پاک و صاف است (۱۳). در واقع «هوای خانه‌هایی که در نقطه مرتفع بنا شده خنک‌تر و خوش‌تر و دم زدن در آن آسان‌تر است. هوای خانه های گود، گرم‌تر و گرفته‌تر و بخارهای آن نامرغوب و دم زدن درآن ناخوش‌تر می‌باشد (۱۸).

از آنجا که بلخی عادت دارد گفته‌های خود را با دلیل و شاهد عینی اثبات کند در این مورد نیز می‌گوید: دلیل تاثیر این بخارها بر هوا حالت خورشید و ماه است که هنگام طلوع و غروب رنگ آنها تیره و کدر می‌شود، گویی از پشت ابرها طلوع کرده‌اند. اما به‌تدریج که ازجایی‌که در معرض اجزاء بخار مانند قرار دارند بالاتر می‌آیند رنگ آنها شفاف‌تر می‌شود، تا به حد اعلای شفافیت و درخشندگی می‌رسند. این بخارها هوا را آلوده و بدن را سست و به سنگینی و بی‌رمقی دچار می‌کنند، و آسیب و زیان‌های آن از جسم فراتر رفته و بر قدرت حافظه و درک انسان نیز تاثیر می‌گذارد، و موجب ضعف و کودنی می‌شود (۱۳). البته هوای آلوده از نظر بلخی با هوای متراکم متفاوت است، چون هوای متراکم هوایی است که گوهر ذاتی آن متراکم و خود بخود غلیظ شده است، در حالی که هوای آلوده، با آمیختن با اجسام غلیظ تراکم یافته است.

بادها و اهمیت تاثیر آنها نیز یکی از موضوعات دقیق زیست محیطی است که بلخی از پرداختن به آن غافل نبوده است، زیرا بادها بعنوان هوایی تجزیه پذیر بیشترین دخل و تصرف را در خود و درآنچه در معرض آنها قرار می‌گیرد، دارند. آنها با قدرتی که در حرکت دادن اجسام موجود در آب و خاک، و نیز در انتقال بوها و بارور کردن گیاهان و همچنین برانگیختن ابرها و بارش باران دارند، منشأ تغییرات زیادی در اوضاع زیست محیطی می‌شوند. آنها طبیعت و مزاج هر آنچه را که در معرضشان قرار می‌گیرد، تحت تأثیر خود قرار می‌دهند.



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

بلخی قدرت تاثیرگذاری بادها را به حدی می‌داند که می‌توانند طبیعت و مزاج حیوانات را از نظر زاد و ولد و نوع جنست آن تغییر دهند. او می‌گوید: «من از تجربه‌هایی که بدست آورده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که وقتی وزش بادهای شمالی و جنوبی بر محل زاد و ولد حیوانات مدتی تداوم داشته باشد در بیشتر مواقع موجب می‌شود نتیجه تولید مثل آنها در یک نوبت مذکر و در نوبت بعد مؤنث باشد» (۱۳).

بلخی می‌گوید تاثیر بادها بر حیوانات و قوای جسمانی انسانها و رنگ پوست آنها به میزانی است که برخی از آنها بدن را سست و بی‌حال می‌کند و رنگ پوست را به زردی متمایل می‌کند، در حالی که برخی از آنها بدن را مستحکم و قوی و رنگ پوست را روشن و شفاف می‌گرداند (۱۳).

بر این اساس او به کسانی که به سلامت خود اهتمام می‌ورزند توصیه می‌کند در انتخاب محل سکونت خود از این جهت که در هر فصلی در معرض چه بادی قرار گیرد و از معرض چه بادی به دور باشد، دقت لازم را داشته باشند تا بتوانند از مزایایی که از ناحیه وزش بادهای مفید حاصل می‌شود بهره مند شوند، و از آسیب وزش بادهای مضر در امان بمانند. بدین معنی که تلاش کنند در وسط تابستان رو به جهتی بنشینند یا بخوابند که در معرض باد شمال که از ناحیه قطب شمال می‌وزد باشند، زیرا این باد بسیار خنک، از شدت گرما می کاهد، و در صورتی که سرما و گرمای شدید مانع نشود باید در خانه‌هایی در اماکن مرتفع و در معرض باد و باران‌خیز سکنی گزینند. چون، همان گونه که ابن سینا هم معتقد است، سرزمینهایی که در آن باد زیاد می وزد و کوه مانع نباشد از عفونت هوا بدور است. اما اگر مانعی در برابر وزش باد بر منطقه وجود داشته باشد هوا برای تعفن آمادگی می‌یابد (۱۷).

بلخی توصیه می‌کند زمانی که سرما و گرما به اوج خود می‌رسد، محل نشستن برای در امان ماندن از مضرات بخارهای متصاعد در فضایی مرتفع باشد، زیرا خانه های مناطق مرتفع و کوهستانی دارای آب و هوا و مزاج پاکتر و بهتر از خانه‌هایی هستند که در دشتها بنا می‌شوند. خانه های مناطق دشتزار نیز از آب و هوا و نسیم لطیف‌تر از اماکن پست و گود برخوردارند (۱۳). بنابراین از نظر او خاک محل سکونت، پستی و بلندی آن، در معرض هوای آزاد بودن یا پنهان بودن، و نوع آب و گوهر آن و ... باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. ضمن این که بادهای منطقه را نیز باید شناخت و از سلامت آن اطمینان حاصل کرد. هم چنین در مورد نقاط مجاور محل سکونت مانند دریا، مسیلها، کوه‌ها و کانها باید تحقیق کرد تا از سلامت آنها و تندرستی و بیماری مردم هر منطقه اطمینان حاصل شود.

بلخی توصیه می‌کند افراد در فصل زمستان خود را در معرض باد گرمی که از ناحیه جنوب می‌وزد قرار دهند، و محل خوابیدن آنها در معرض مستقیم وزش نسیم صبحگاهی باشد، تا فرد بتواند هم از آن نسیم و هم از تابش مستقیم نور خورشید به هنگام طلوع، که نیروی عجیبی به جسم و روح انسان می‌بخشد استفاده کند. زیرا این باد بر هرچه بوزد آن را گرم می‌کند و هوا را مساعد و عناصر ترکیبی آنرا لطیف و رقیق می‌گرداند (۱۳). به همین دلیل او پیشنهاد می‌کند پنجره‌ها ودرهای محل سکونت شرقی- شمالی باشد. وی می‌گوید: «علت این که انسانها تمایل دارند فعالیت های جسمانی و فکری خود را همزمان با طلوع خورشید آغاز کنند، همین خاصیت نیرو افزایی خورشید در این وقت خاص است. در این وقت خاص توان و فعالیت انسان به حد اعلای خود می‌رسد. و فعالیت‌هایی که در این زمان انجام می‌شود بهترین و کامل‌ترین نتیجه را به دنبال دارد. به گونه‌ای که گویی انسان در این زمان به استقبال زندگی جدیدی در این عالم می‌رود و این زمان خاص مانند دوره جوانی عالم است (۱۳).

او بخارها و ریزگردها و ذرات موجود در هوای آلوده را منشأ وبا و نفوذ بیمارهای مسری به خاک و آب می‌داند، چیزی که قوای نفسانی را نیز ضعیف می‌کند. او به ساکنان این مناطق و نیز مناطقی که با کم آبی مواجه شده‌اند دو راه کار ارایه می‌دهد: (الف) مهاجرت به مناطقی که از محیط زیست سالم برخوردارند، (ب) استفاده از ترفندهای خاص برای زدودن آلودگی آب مثل زدودن آلودگی آن با مکانیسم‌های خاص، انتقال آب سالم از نقاط دیگر، و استفاده از بخورات خاص در خانه برای زدودن آلودگی هوا (۱۳). او معتقد است «اگر هوای خارج بد شود و بخارهای بد با آن درآمیزد، استفاده از هوای



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

داخل بهتر از هـوای بیـرون مـی‌باشـد، بـا اینکـه هـوای درون ساختمان سنگین‌تر از هوای خارج است» (۱۸).

بلخی ضمن پرداختن بـه مشـکلات آلـودگی آب و هـوا و محیط زیست سه دلیل عمده برای مهـاجرت انسـانها از محـل سکونت خود بیان می‌کند که عبارتند از: (الـف) طلـب معـاش زندگی و کسب درآمد، زمانی که کشور مبدأ با رکود اقتصـادی یا با خشکسالی روبرو شود، (ب) مهاجرت به سرزمینهای امـن به خاطر ناامن بودن کشور مبدأ و ترس از جان، (ج) مهـاجرت از مناطقی که از نظر آب و هوا و خاک آلوده‌اند و بیماری های مسـری سـاکنان آن را تهدیـد مـی‌کنـد. البتـه وی مـی‌گویـد: «مهاجرت به هدف دستیابی به محل سـکونت بـا آب و هـوای سالمتر فقط در بین حکیمان و خردمنـدان و پادشـاهان کـه بـه مصلحت و تندرستی خود توجه دارند رایج است، و بین مـردم عادی کمتر پیش می‌آید». وی می‌گوید «متمکنان و پادشـاهان و صاحب منصبان هرگاه مجبور می‌شدند در مناطق بد آب و هوا و آلوده به بیماری های مسـری اقامـت کننـد، در صـورتی کـه هوای آن منطقه بـرای تـنفس آلـوده بـود سـعی مـی‌کردنـد بـا بخورات خاص آلودگی هوای محیط را بزدایند» (۱۳).

اطلاعات بلخی در مورد مهاجرت به دلائل زیست محیطـی و هم چنین تاثیر محـیط زیسـت در ویژگـی‌هـای جسـمانی و روانی انسانها حاکی از شناخت عمیق او نسبت به ارتبـاط بـین جغرافیای انسانی و محیط زیست می‌باشد (۱٤). ضمن اینکه او معتقد است خداوند بلند مرتبه مناطق مسکونی این کره خـاکی را بین ساکنانش تقسیم نموده است، و هـر یـک از آنهـا دارای سهمی مشخص از این مناطق با آب و هوای خاص هسـتند، و تغییر آن به راحتی امکان پذیر نیست، تا سـاکنان آن بتواننـد آن سرزمین ها را نیز آباد کنند. با این حال بر هر صـاحب درایتـی لازم می‌داند برای دستیابی به محیط زیست سالم از هیچ تلاشی دریغ ننماید، چون مهاجرت علاوه بر دستیابی به محیط زیست سالم و در نتیجه دستیابی بـه سـلامت جسـم و روان، فرصـت عمران و آبادانی دیگر مناطق و رواج گردشگری را نیـز فـراهم می‌کند (۱۳).

او توصیه می‌کنـد تـدبیر مهـاجرت، در مـورد یـک منطقـه محدود و خاص، مثلا یک شهر و یا روستا و حتی یک قصـر و خانه مسکونی نیز اجرا شود. زیرا همان گونه که سرزمین هـای پهناور از جهت آب و هوا و محیط زیسـت متفاوتنـد، نـواحی مختلف یک منطقه محدود هم از این نظر متفاوتند. هرچند این تفاوت به شدت تفاوت اولی نیست. اما باید این تفاوت‌ها را به هنگام انتخاب محل سکونت و ساخت و ساز بـه دقـت مـورد توجه قرار داد (۱۳). «این دیدگاه دقیق بلخی در مورد سـاخت و ساز مناطق مسکونی منطبق با ویژگـی‌هـای زیسـت محیطـی منطقـه حـاکی از مطالعـات وسـیع بلخـی در حـوزه علـوم هواشناسی، جغرافیا، و محیط زیست است» (۱٤). او قصد دارد دو نکته مهم از این موضوع استنباط کند: (الف) ضرورت توجه به انتخاب و ساخت محل سکونت متناسب بـا محـیط زیسـت منطقه و متناسب با هر یک از فصل‌های سـال، (ب) توجـه بـه تفاوت‌ها و تمایزهای اقلیمـی و آب و هـوایی و بهـره‌بـرداری صحیح از این تفاوت‌ها برای دستیابی به شـرایط زیسـتی بهتـر (۱٤). البته فواید دیگری را هم بلخی مد نظر دارد کـه عبارتنـد از اسـتفاده بهینـه از منـابع خـاک، آب، هـوا، و انـرژی و نیـز جلوگیری از به هدر رفتن آنها و آلـوده کـردن محـیط زیسـت، موضوعی که امروزه توجه طرفداران محـیط زیسـت و جوامـع بشری بخصوص جوامع صنعتی و پیشرفته را، به خاطر مواجـه شدن با انـواع مشـکلات زیسـت محیطـی و کمبـود انـرژی و خطرات ناشی از آلودگی های صنعتی و فسیلی به خـود جلـب کرده است.

بلخی برای صرفه جویی در مصرف انرژی و جلـوگیری از هدر رفتن آن و آلوده شـدن محـیط زیسـت معیارهـای علمـی دقیقی برای ساخت و ساز محل سـکونت پیشـنهاد مـی‌کنـد و می‌گوید: «ساخت و ساز خانه ها باید به گونه‌ای باشد که درب و دیوارها عایق دار و قطور و مستحکم باشند، تا سرما و گرمـا نتواند از طریق منافذ به داخل سـاختمان نفـوذ کنـد. او توصـیه می‌کند سقف خانه‌ها را بلند بسازند تا فضایی بـرای حرکـت و جابجایی بازدم و هوای آلوده با بخارها و دودهای ناشی از مواد سوختی وجود داشته باشد (۱۹). زیرا بازدم و بخار آلـوده مـی توانند در یکجا انباشته شوند، به منافذ پوست نفوذ کننـد، و بـه انسان آسیب جدی برسانند.



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

برخوردار بودن محل سکونت از روشنایی و نور کافی یکی دیگر از توصیه‌های زیست محیطی و روانشناسی بلخی است، زیرا روان انسان در فضای روشن آرامش می‌یابد و به شادابی و نشاط می‌رسد، اما در فضای تاریک احساس تنهایی و وحشت می‌کند. چنانچه به تأثیر مثبت تابش خورشید بر جسم و روان انسان به هنگام طلوع اشاره می‌کند (۱۳). تابش خورشید در این زمان موجب افزایش مصرف اکسیژن می‌شود، و این در افزایش رشد جسم و فعالیت و نشاط اعصاب و روان نقش بسزایی دارد (١٤). وی این موضوع را از منظر علم روانشناسی نیز مورد بررسی قرار می‌دهد و می‌گوید: «علت این که نور به روان انسان آرامش می‌دهد این است که انسان با روشنایی روز أنس می‌گیرد، و نور از جنس روز و تاریکی از جنس شب است». سپس به برخی آسیب‌هایی که از ناحیه فضای تاریک به چشم وارد می‌شود اشاره می‌کند (۱۹).

وی به چگونگی مصرف انرژی حرارتی برای گرم کردن محل سکونت در زمستان نیز می‌پردازد و می‌گوید: «لازم است خانه ها با سوختی گرم شوند که حرارت به صورت یکنواخت به‌تمامی قسمت‌های‌خانه‌برسد.ساکنان‌بایداز نشستن درمجاورت شعله مستقیم آتش پرهیز کنند، زیرا حرارت باید یکنواخت به بدن برسد. به همین دلیل توصیه می‌کند افراد در زدودن گرما و سرما از خود زیاده‌روی نکنند، تا با عواقب دشوارتر روبرو نشوند. مگر اینکه فرد مجبور به استفاده از حرارت مستقیم برای درمان باشد، و ناچار باشد عضوی از بدن را گرم کند، که آن به بحث حرارت درمانی مربوط می‌شود» (۱۹).

وی توجه به ضرورت تغییر تدریجی سرما یا گرما در محل سکونت را مورد تاکید قرار می‌دهد و می‌گوید: «بدن باید به تدریج با سرما و گرما مواجه شود، یعنی قسمت مرکزی خانه بدور از سرمای خارج باشد، و قسمت بیرونی آن بیشتر از قسمت مرکزی در معرض هوای سرد باشد، و هرچه زمان سرما افزایش یابد، ساکنان بیشتر خود را در قسمت مرکزی و به دور از هوای سرد قسمت بیرونی محفوظ دارند» (۱۹).

در مورد محافظت از بدن در گرمای شدید، نقل مکان به مناطق مرتفع و کوهستانی را پیشنهاد می‌کند. در صورتی که این کار امکان پذیر نباشد باید پناهگاهی برای سکونت انتخاب کرد که محفوظ، پوشیده، و دارای درب و دیوارهای عایق‌دار، فشرده و سقفی بلند باشد تا مانع از ورود گرما به داخل شود (۲۰). اما رفتن به زیرزمین را همیشه مفید نمی‌داند، زیرا هوای سرداب سنگین و مرطوب است و بدن را سست و سنگین می‌کند. در پناهگاه نیز بهتر است در جایی بالاتر از سطح زمین نشست و هوا هم از قسمت بالایی پناهگاه که دارای هوای سبک‌تر از قسمت پایین می‌باشد از طریق روزنه‌ها و دریچه‌هایی که در قسمت بالایی نصب شده گرفته شود، نه از قسمت پایین که سنگین است.

بلخی معتقد است عناصر سه گانه محیط زیست علاوه بر جسم بر خلق و خوی انسان نیز تاثیر بسزایی دارند. چنانچه، بخارهایی که هوا را تیره و آلوده می‌کنند موجب رخوت بدن و سنگینی آن می‌شود و مضرات آن از جسم فراتر می‌رود و به روان انسان نیز آسیب می‌رساند، موجب کودنی و کند ذهنی می‌شود (۱۳).

بلخی با ذهن عقل‌گرای خود برای اثبات دیدگاه‌های علمی خود به استدلال و آزمایش و ذکر نمونه عینی متوسل می‌شود. وی تسلیم هیچ موضوعی نمی‌شود مگر بعد از این که درستی و اتقان آن را با آزمایش و ذکر نمونه عملی اثبات کند. به همین دلیل قبل از ذکر نظرات علمی خود اغلب از عباراتی مانند «تجربه و آزمایش ثابت کرده است» استفاده می‌کند (۲۱). زیرساخت اعتقادی بلخی موجب می‌شود او در پدیده‌ها و اسباب و علل مادی متوقف نشود، بلکه به عالمی فراتر از آن قدم گذارد و اسباب و علل را به مشیت و اراده الهی نسبت دهد و احکام را مستقل از اراده الهی نداند. وی معتقد است که این تدابیر تنها با مشیئت و اراده خداوند است که مؤثر می‌آید. سپس از حکمت نهفته در ماورای آنها سخن گوید و با مرتبط دانستن نظم و حکمت الهی با سلامت و تعادل و توازن محیط زیست، برخورداری انسان از سلامت جسم و روان را به تکریم خداوند از انسان اشرف مخلوقات نسبت می دهد، زیرا شایسته ترین موجودات که نباید امورش مورد غفلت و بی‌توجهی قرار گیرد انسان است که مدبّر تمامی کائنات می باشد، موجودی که بقای عالم و فساد آن با اوست (۱۱).



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

وی با تاکید بر تکریم انسان از جانب خداوند، و استحقاق انسان برای مدیریت عالم و برخورداری از سلامت جسم و روان و محیط زیست ضمن مقایسه انسان با دیگر موجودات می‌گوید: «مشیت الهی بر این قرار گرفته که انسان به سعادت دنیوی و اخروی برسد و این سعادت را مستلزم سلامت محیط زیست و جسم و روان و ایمان و توکل به خدا و دوری از آفت‌های فکری و قلبی و دوری از تمایلات نفسانی می‌داند. دستیابی به این سلامت نیز جز از طریق علم و معرفت و آگاهی امکان‌پذیر نمی‌باشد. به همین دلیل خداوند به انسان نیروی تشخیص و تفکر و تعقل ارزانی داشته است تا بهترین تدبیر را در مورد محیط زیست خود بکار گیرد» (۱۹).

## نتیجه‌گیری:

موضوع حفظ محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن همواره از دغدغه‌های اندیشمندان و حکیمان مسلمان ایرانی از جمله ابوزید بلخی پایه‌گذار علم سلامت روان و پیشگیری در قرن سوم و چهارم هجری بوده است. بلخی در کتاب مصالح الأبدان و الأنفس پیشگیری را هم در حوزه سلامت جسم و روان و هم در حوزه سلامت محیط زیست مقدم بر درمان می‌داند، زیرا معتقد است که حفظ شیء موجود مهمتر از این است که به دنبال چیزی باشیم که از دست رفته است. وی نگه داری ازمحیط زندگی و همه اشیاء طبیعی و اشیاء مصنوعی ساخته دست بشر را مورد تاکید قرار می‌دهد. البته این محافظت و نگهداری را مستلزم مدیریت صحیح انسانها و آگاهی کافی آنها نسبت به جسم و روان و محیط زیست خویش می‌داند.

وی با بررسی مزاج عناصر چهارگانه محیط زیست نتیجه می‌گیرد که منشأ تفاوتهای جسمانی، روانی و اخلاقی انسانها تفاوت در مزاج این عناصر می‌باشد. او ضمن طبقه بندی یافته های خود در مورد آب، هوا، خاک، و محل سکونت و نیز بررسی علل آلودگی آنها و تعیین استانداردهایی که این عناصر باید برای تأمین یک زندگی سالم برخوردار باشند، توجه به تفاوت‌های اقلیمی را در هر یک از فصول سال به هنگام انتخاب وساخت محل سکونت ضروری می‌داند، و بهره‌برداری صحیح از این تفاوت‌ها را برای دستیابی به شرایط زیستی بهتر و استفاده بهینه از منابع خاک، آب، هوا، و انرژی سالم، و همچنین صرفه جویی در مصرف آنها و اجتناب از آلوده نمودن و تخریب محیط زیست با انرژی های ناپاک مورد تأکید قرار می‌دهد. با این حال او معتقد است هنوز پشت پرده این مقوله، یعنی حفظ سلامت محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن اسراری نهفته است که علم و دانش بشری از درک آنها عاجز است. زیرا آثار زیانبار این موضوع در کوتاه مدت برای انسان آشکار و ملموس نیست، بلکه در بلند مدت و به تدریج تبدیل به فاجعه می‌شود. به نظر می رسد یکی از معضلات زیست محیطی مد نظر بلخی که پیشگیری فواید زیادی در دفع آن دارد آلودگی هوا ناشی از پدیده وارونگی و خطرات ناشی از آن است که بطور تلویحی به آن اشاره می کند و نسبت به آن هشدار می دهد، و معتقد است محل سکونت و شهرها باید در نقاط مرتفع و در معرض بادهای مرغوب ساخته شود، چون سرزمین‌هایی که باد در آنها زیاد می‌وزد و کوه مانع نیست از عفونت و آلودگی هوا بدورند. او به ساکنان مناطقی که به دلیل شیوع بیماری یا محبوس ماندن هوا در گودی‌ها و وجود بخارات، غبارها، و ریزگردها باعفونت هوامواجه هستند توصیه می‌کند زمانی که سرما و گرما به اوج شدت خود می‌رسد درمناطق مرتفع‌که دارای آب‌وهوای پاک‌تر هستند سکونت گزینند، تا از مضرات بخارها و دود و عفونت و ریزگردهای متصاعد از زمین در امان باشند، یا با مکانیزم های خاص مانند استفاده از بخورات به تصفیه هوای آلوده اقدام کنند.

وی با ذهن عقل‌گرای خود موضوع سلامت انسان را با سلامت محیط زیست و با مباحث روانشناسی گره می‌زند. و کسب سلامت و سعادت او را مستلزم سلامت محیط زیست و سلامت جسم و روان انسان و ایمان و توکل به خدا و پایبندی به ارزش‌های اخلاقی و علم و معرفت می داند. بنابراین آراء دقیق این اندیشمند مسلمان در حوزه محیط زیست ثابت می‌کند بسیاری از مباحث زیست محیطی و کشف علل و عوامل برخی پدیده ها و معضلات آن مانند پدیده وارونگی و آلودگی هوا ریشه در اعماق تاریخ ایران و اسلام دارد. علی رغم این که تصور می‌رود دستاوردهای زندگی شهرنشینی جدید باشند.



[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]

## References:


١. یاقوت بن عبدالله الحموی، شهاب الدین: معجم الأباء. ج ٢، دارالفکر، بیروت، صص: ٦٨-٨٥، ١٩٨٠ م.

٢. ابن حجر العسقلانی، شهاب الدین: لسان المیزان. تحقیق: المرعشی، محمد عبد الرحمن. ج ١، دار إحیاء التراث، بیروت، ، صص: ٢٧٧، ١٩٩٥ م.

٣. الخضري، محمد: محاضرات تاریخ الأمم الإسلامیة - الدولة العباسیة. دار القلم، بیروت، ، صص: ٣٦، ١٩٨٦م.

٤. بروکلمان، کارل: تاریخ الأدب العربی، ترجمه عربی: رمضان، عبد التواب، بکر یعقوب. جز ٤، دار الکتاب الاسلامی، قم، صص: ٢٤٦، ٢٠٠٨م.

٥. مصری، محمود: مقدمه کتاب مصالح الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٤٦-٤٧، ١٣٨٨.

٦. کحاله، عمر رضا: معجم المؤلفین تراجم مصنفي الکتب العربیة. ج ١، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، صص: ٢٤٠، ١٩٥٧م.

٧. جرجی زیدان: تاریخ آداب اللغة العربیة. ج ٢، دار الفکر، بیروت،صص: ٢٢٢، ١٩٩٦ م.

٨. بشیر، طه الزبیر: علم النفس فی التراث العربی الاسلامی (سلسلة الکتاب الالکترونی). نسخه ٢١، اصدارات شبکة العلوم النفسیة العربیة، صص: ١٢٤، ٢٠١١م.

٩. ندیم، محمد بن اسحاق أبی یعقوب: الفهرست، تحقیق و تصحیح: رمضان، ابراهیم، چاپ ٢، دار المعرفه، بیروت، ١٩٩٧.

١٠. نجم آبادی، محمود: تاریخ طب در ایران پس از اسلام. انتشارات دانشگاه تهران، تهران، صص: ٣٣٥، ١٣٧٠.

١١. بلخی، أبو زید، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقیق: محمود مصری، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٣١١-٣١٧، ١٣٨٨.

١٢. بلخی، أبو زید، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقیق: محمود مصری، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٣٨٠، ١٣٨٨.

١٣. بلخی، أبو زید، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقیق: محمود مصری، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٣٢٨-٣٤٢، ١٣٨٨.

١٤. مصری، محمود: مقدمه کتاب مصالح الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ١٢١-١٢٩، ١٣٨٨.

١٥. الرهاوی، اسحاق: أدب الطبیب. تحقیق: السامرائی، کمال، و سلمان علی، داود، چاپ اول، دار الشؤون الثقافیة العامة آفاق عربیة، بغداد، صص: ٨٢، ١٩٩٢م.

١٦. مصری، محمود: مقدمه کتاب مصالح الأبدان والأنفس، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٢٩٧-٢٩٨، ١٣٨٨.

١٧. ابن سینا، أبوعلی: قانون، ترجمه: شرفکندی، عبدالرحمن، ج ١، انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، تهران، صص: ٢٠٨-٢١٢، ١٣٨٣.

١٨. جرجانی، سید اسماعیل: الخفیة العلائیة، به کوشش ولایتی، علی اکبر و نجم آبادی، محمود، انتشارات اطلاعات، تهران، صص: ١٠-١٨، ١٣٧٧.

١٩. بلخی، أبو زید، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقیق: محمود مصری، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٣٤٦-٣٤٩، ١٣٨٨.

٢٠. بلخی، أبو زید، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقیق: محمود مصری، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٣٥٥-٣٥٦، ١٣٨٨.

٢١. بلخی، أبو زید، مصالح الأبدان و الأنفس. تحقیق: محمود مصری، مؤسسة مطالعات تاریخ پزشکی، تهران، صص: ٤٤٢، ١٣٨٨.


[ Downloaded from jiitm.ir on 2024-03-29 ]